



مجموعه‌ای در موسیقی

ایرج افشار

دوست گرامی آقای هوشنگ ستوده که سالیانی دراز تدریس موسیقی را عهده‌دار بود، مجموعه‌ای خطی در موسیقی داشت که چند روزی به لطف دکتر منوچهر ستوده در دسترس من بود و این یادداشتها از آن برداشته شد. این نسخه اکنون به کتابخانه مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی تعلق دارد.

قسمت اول

آغاز: الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على سيدنا محمد وآله اجمعين
اما بعد فقد امرني من يجب على امثال و امره ... ان اصنع له مختصراً في معرفة النغم و نسب ابعاد و ادوارها و ادوار الايقاع على نهج يفيد العلم و العمل...
الفصل الاول: في تعريف النغم و بيان الحدة و الثقل...
فصل ۱۵: في مباشرة العمل...

انجام: تمت الرسالة بعون الملك المتعال في يوم الاثنين الرابع و العشرين من شهر... محروسة اصفهان صانها الله عن طوارق الحدثان في المدرسة المسماة نیم‌آورد سنة ۱۲۷۱، العبد بدیع الموسوی الدرب الامامی^۱
با جداول و دواير دورنگ سیاه و سرخ، ولی در اواخر جای اشکال سفید مانده. این رساله در هجده ورق کاغذ خطدار است به خط نسخ.

قسمت دوم

چهار ورق از متنی به همان خط — مخلوط فارسی و عربی

آغاز: حاصل تقسیم الوتر مجملاً علی ما استقر علیه رای الجمهور...

در آن ذکر خواجه عبدالقادر و شرح فارسی ادوار او شده با حواشی به خط شکسته همان نویسنده و همان تاریخ ۱۲۷۱ (چندین بار). مقداری از حواشی این اوراق منظومات شعری است بطور مثال:

- [۱] به نام خالق ارض [و] سموات کنم تعداد اسماء مقامات
- [۲] ز من بشنو دمی ای مرد باهوش چو بشنیدی نکن دیگر فراموش

- [۳] نخستین می‌کنم از راست بنیاد که مرد از راستی شد از غم آزاد
- [۴] حسینی و عراق آن‌گه صفاهان پس زنگوله، عشاق و نوا دان
- [۵] حجاز و بوسلیک است و رهاوی که دارم ییاد از تقریر راوی
- [۶] دگر می‌دان بزرگ آن‌گه کوچک بگفتم جمله را، بشمار یک یک

- [۷] مقام راست را دل گنج‌گاه است مبرقع لازمش با پنج‌گاه است
- [۸] حسینی کز مقامات است برتر دوگاه آمد قرینش با محیر
- [۹] عراق عشرت‌افزایست مطلوب گهی روی عراق و گاه مغلوب
- [۱۰] در اصفاهان کسی کو گردد آگاه به نیریز و نشابورک برد راه

۱. این سید بدیع ابن مصطفی موسوی اصفهانی درب‌امامی نسخه‌ای از دیوان منوچهری را در سال ۱۲۸۲ در کرمان کتابت کرده است (فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه اصفهان، دفتر دوم، چاپ قم، ۱۳۸۸ش، ج ۲، ص ۴۲۱).

- [۱۱] پس از زنگوله اندر نغمه قوال
نماید چارگاه آن گاه عزال
- [۱۲] چو سازی پرده عشاق را ساز
نغم در زابل و در اوج پرداز
- [۱۳] حجاز آمد یکی نخل ثمردار
سه گاه است و حصاران نخل را بار
- [۱۴] لوازم بوسلیک آن پرده راز
عشیران و صبا را داده آواز
- [۱۵] نوا آمد که افتد در جهان شور
بود نوروز خارا فرع ماهور
- [۱۶] بزرگ آمد چو چنگ ساز کرده
همایون و نهفت از وی دو پرده
- [۲۷] حجاز آمد که همدم شو نوا را
گوشت از هر دو گردید آشکارا
- [۲۸] عراق و کوچک آمد اصل مایه
چه روح افزاست یا رب اصل پایه
- [۲۹] شدم با خامشی من بعد دمساز
بزرگ است و رهاوی اصل شهنواز

فی بحورالاصول

- [۳۰] چون شوی از اصول پرده گشای
فاخته ضرب، ترک ضرب نمای
- [۳۱] مآتین است دور و نیم ثقیل
هزج و اوسط و رمل ما قیل
- [۳۲] شاه نامه است اصل^۲ و هم فرع
پس روان آمده طویل از شرع
- [۳۳] یا بر افشان مخمس چنبر
با ثقیل و خفیف دان اوفر
- [۳۴] در یک و چار ضرب ضرب الفتح
...^۳ گفتم در آنچه قطعاً قدح
- [۳۵] روی دیگر سماع و دور روان
جمله را یادگیر و نیک بخوان

نغمات است

- [۱۷] مطرب برسد چو نغمه را ساز کند
نوروز و گوشت و سلمک آغاز کند
- [۱۸] گفتم صنما نمای گردانیه را
پس مایه بگرداند و شهنواز کند

در بیان شعب بیست و چهار گانه و دوازده مقام

- [۱۹] ز راه راست گر آهنگ می کنی به حجاز
ز اصفهان نظری جانب عراق انداز
- [۲۰] به ناقه زنگله در پرده رهاوی بند
به بوسلیک و حسینی صفت بر آر آواز
- [۲۱] مشو بزرگ ز راه نیاز کوچک شو
در آن میانه به عشاق بینوا انداز
- [۲۲] گوشت گردانیه چو برخوانی
نواز پرده نوروز و سلمک و شهنواز
- [۲۳] به گوش دل شنو از کوکبی که کرد بیان
به چار بیت^۱ ده و دو مقام و شش آواز

اسامی مقامات

- [۳۶] عشاق مرا قد حسینی است چو راست
... در پرده بوسلی^۴ رهاوی و نواست
- [۳۷] چون گشت بزرگ در صفاهان و عراق
زنگوله، حجاز، کوچک اندر بر ماست

۰

ملحقات منسوبه به زوج اثنی عشر

- عشاق - حسینی - راست - بوسلیک - رهاوی - نوا -
بزرگ - صفاهان - عراق - زنگوله - حجاز - کوچک،
آیات (بر بالای آن رأس) - رکب (بر بالای آن زنب)

قسمت سوم

ترجمه ادوار صفی الدین عبدالؤمن بنی ابی المفاجر

۱. قطعه پنج بیت است.
۲. اصل: شبیه: اکل
۳. یک کلمه ناخوانا
۴. به جای بوسلیک

فی بیان کیفیت وجدان کل نغمه من مقامین

- [۲۴] شش آواز است: در جائی است هر یک
در اصفاهان و زنوله است و سلمک
- [۲۵] چو با عشاق گردد راست یکدل
شود گردانیه زین هر دو حاصل
- [۲۶] دو عینم بوسلیک است و حسینی
بود نوروز اصلم زین دو عینی



۳۱	رمل	ارموی توسط لطف‌الله‌بن محمدبن محمود سمرقندی به سال ۷۹۸.
۳۶، ۲۹، ۲۰، ۵	رهاوی	هذه رسالة في علم الموسيقى نظمها تذكرة للاحباب بل تبصرة لأولى الالباب
۱۲	زابل	در دوازده ورق، خط بدیع الموسوی، الدرب الامامی مورخ ۱۲۷۱
۳۷، ۲۰، ۲۴، ۱۱، ۴	زنگوله	محمدتقی دانش‌پژوه در کتابشناسی ممتاز خود مربوط به معرفی موسیقی‌نامه‌ها این رساله را شناسانده و گفته است که محمدعلی تربیت در دانشمندان آذربایجان (ص ۲۳۶) از آن یاد کرده و از دو نسخه موجود در کتابخانه ملی ملک (ش ۱۶۴۷) و مجموعه دکتر عبدالوهاب نورانی وصال مورخ ۹۵۴ را نام برده است و نیز از مجله هنر و مردم (ش ۹۴، ص ۳۲).
۲۴، ۲۲، ۱۷	سلمک	
۳۲	شاه‌نامه	
۲۹، ۲۲، ۱۸	شهناز	برای صحت اصطلاحات موسیقی در موارد اشکال به فرهنگ موسیقی ایران تألیف نصرت‌الله حدادی (تهران، ۱۳۷۶) مراجعه شد.
۱۴	صبا	
۳۷، ۲۴، ۱۹، ۱۰، ۴	صفاهان	
۳۰	ضرب	
۳۲	طویل	
۳۷، ۲۸، ۱۹، ۹، ۴	عراق	
۱۱	عزال	
۱۴	عشیران	
۳۶، ۲۵، ۲۱، ۱۲، ۴	عشاق	
۳۰	فاخته	
۱۱	قوال	
۳۷، ۲۸، ۲۱، ۶	کوچک	
۲۵، ۲۲، ۱۸	گردانیه	۲۴، ۲۳
۲۷، ۲۲، ۱۷	گوشت	اصفاهان = صفاهان
۱۵	ماه‌ور	۳۰
۲۸، ۱۸	مایه	۳۱
۸	میرقع	۳۷، ۲۹، ۲۱، ۱۶، ۶
۸	محیر	۳۶، ۲۶، ۲۰، ۱۴، ۵ (بوسلی)
۱۷	مطرب	۳۶، ۲۲، ۲۰، ۱۶، ۱۴، ۱۲
۹	مغلوب	۸
۲۳	مقام (دوازده)	۱۱
۳۶، ۸، ۱	مقامات	۱۳
۲۰	ناقه	۳۴
۱۱	نشابورک	۷
۱۷، ۱۱	نغمه	۳۳، ۳۱
۳۶، ۲۷، ۱۵، ۴	نوا	۳۳
۲۶، ۲۲، ۱۵، ۱۷	نوروز	۱۶
۱۵	نوروز خارا	۳۷، ۲۷، ۱۹، ۱۳، ۵
۱۶	نهفت	۳۶، ۲۶، ۲۰، ۸، ۴
۱۰	نیریز	۱۳
۳۱	هنج	۳۱
۱۶	همایون	۳۶، ۲۵، ۱۹، ۷، ۳
		اصول
		اواز (شش)
		بزرگ
		بوسیلک
		پرده
		دوگاه
		چارگاه
		سه‌گاه
		خفیف
		پنج‌گاه
		ثقیل
		چنبر
		چنگ
		حجاز
		حسینی
		حصاران
		دور
		راست

غرة الالفاظ و نزهة الالفاظ

اثری از ظهیری سمرقندی و بیٹی تازه یاب

از محمد عبده (عبده)

علی صفری آق قلعه

بخشی از کوششهای مرکز پژوهشی میراث مکتوب در این سالیان به گردآوری عکس و تصاویر دیجیتالی از نسخه‌های خطی کتابخانه‌های ایران و خارج از ایران اختصاص یافته است. دستیابی به برخی از این نسخه‌ها به راستی مایه شادمانی است و وجود نوشته‌هایی را برای ما آشکار می‌کند که از آنها آگاهی نداشتیم و یا گمان می‌بردیم از دست رفته‌اند. یکی از این نوشته‌ها اثری است با نام غرة الالفاظ و نزهة الالفاظ که در اینجا به شناسایی آن خواهیم پرداخت.

اثر مورد گفتگوی ما در مجموعه‌ای به شماره ۳۷۸۵ در کتابخانه چستربیتی نگهداری می‌شود. این مجموعه از دو نوشته تشکیل شده است. نخستین اثر، رساله‌ای به زبان عربی در زمینه علم بلاغت است. از نام این اثر و نویسنده آن آگاهی نداریم و هیچگونه قرینه و آگاهی سودمندی برای شناسایی اثر در متن آن دیده نمی‌شود (نک: فهرس المخطوطات المصوّرة فی الادب و البلاغة و النّقد، ص ۴۹۲). اثر یاد شده از موضوع گفتگوی ما بیرون است و لذا از آن می‌گذریم. اما اثر دوم نوشته‌ای است به زبان فارسی با نام غرة الالفاظ و نزهة الالفاظ که در آن به آموزش یکی از شگردهای شاخه ترسل از دانش دبیری پرداخته شده است. عبارتهای آغازین نسخه چنین است: «حمد و ستایش ایزد را جل جلاله کی مناکب گردون را به حلیه کواکب بیاراست و سرو قامت آدمی را در باغ وجود — که مثمرتر درختی است — به دستِ قدره بیاراست و پیرایه دانش بر بست ... چنین می‌گوید محمد بن علی بن محمد الکاتب السمرقندی — احسن الله توفیقه و جعل التّسدید رفیقه — کی صنعت کتابت زکنی وثیق است از ارکان دولت و حلیه [ای] نفیس است بر گردن عروس مملکت...»

چنانکه می‌بینیم، نام نویسنده این اثر — یعنی «محمد بن

علی بن محمد الکاتب السمرقندی» — با نام صاحب سندبادنامه شبیه است. خود ظهیری در خطبه هر دو اثر بازمانده‌اش — یعنی سندبادنامه و اغراض السیاسة — نامش را به صورت «محمد بن علی بن محمد الظهیری الکاتب السمرقندی» ضبط کرده است. بنابراین، هر دو نام در پنج مورد با یکدیگر تطابق دارد: ۱. نام نویسنده، ۲. نام پدر نویسنده، ۳. نام نیای او، ۴. شغلش (کاتب)، ۵. نسبتش (سمرقندی)؛ و فقط جزء «ظهیری» در این دو مشترک نیست.

نکته شایان ذکر اینکه کهن‌ترین و مهم‌ترین یادکرد از ظهیری و آثارش در لباب الالباب محمد عوفی (ج ۱، صص ۹۱ - ۹۲ براون؛ صص ۸۶ - ۸۷ نفیسی) دیده می‌شود؛ اثری که پیش از ۶۱۸ ق تألیف شده است. عوفی در اثر خود از ظهیری چنین نام می‌برد: «الصدر الاجل ظهیر الدین [و] الکتاب محمد بن علی السمرقندی الکاتب»؛ و چنانکه می‌بینیم، عوفی نیز جزء «ظهیری» را در این نام نیاورده است.

عوفی در کتابش سه اثر را از ظهیری برشمرده است: ۱. سندبادنامه، ۲. اغراض السیاسة فی اغراض السیاسة، ۳. سمع الظهیر فی جمع الظهیر. از این میان، دو اثر نخستین در دست بوده و چاپ شده است اما از نوشته سوم نسخه‌ای به دست نمی‌باشد. اینک با پیدا شدن نسخه چستربیتی و با پذیرش این احتمال قوی که غرة الالفاظ نیز از آثار قلمی ظهیری است، آنگاه می‌توان گفت که یک اثر دیگر به فهرست آثار وی افزوده شده است.

با توجه به تصریح عوفی به نام سمع الظهیر فی جمع الظهیر گمان می‌رود که این اثر با غرة الالفاظ و نزهة الالفاظ یکی نباشد؛ بویژه که نام غرة الالفاظ و نزهة الالفاظ در متن اثر (ص ۹ نسخه) درج شده و در درستی این نام تردیدی نداریم: «... ایزد تعالی توفیق رفیق کناد و این مجموع را غرة الالفاظ و نزهة الالفاظ نام نهاده شد...»

درباره تاریخ نگارش این اثر هیچ مطلب و قرینه‌ای در متن آن دیده نمی‌شود. تنها نکته‌ای که به دست می‌آید اینکه ظهیری این اثر را برای فرزند یکی از مخدومانش یعنی «عمر بن محمد بن ابی نصر» نگاشته است. نام این شخص را عجالتا در منابعی که در دسترسمان بود نیافتیم و لذا نام او را با تمام القابی که ظهیری برای وی یاد کرده

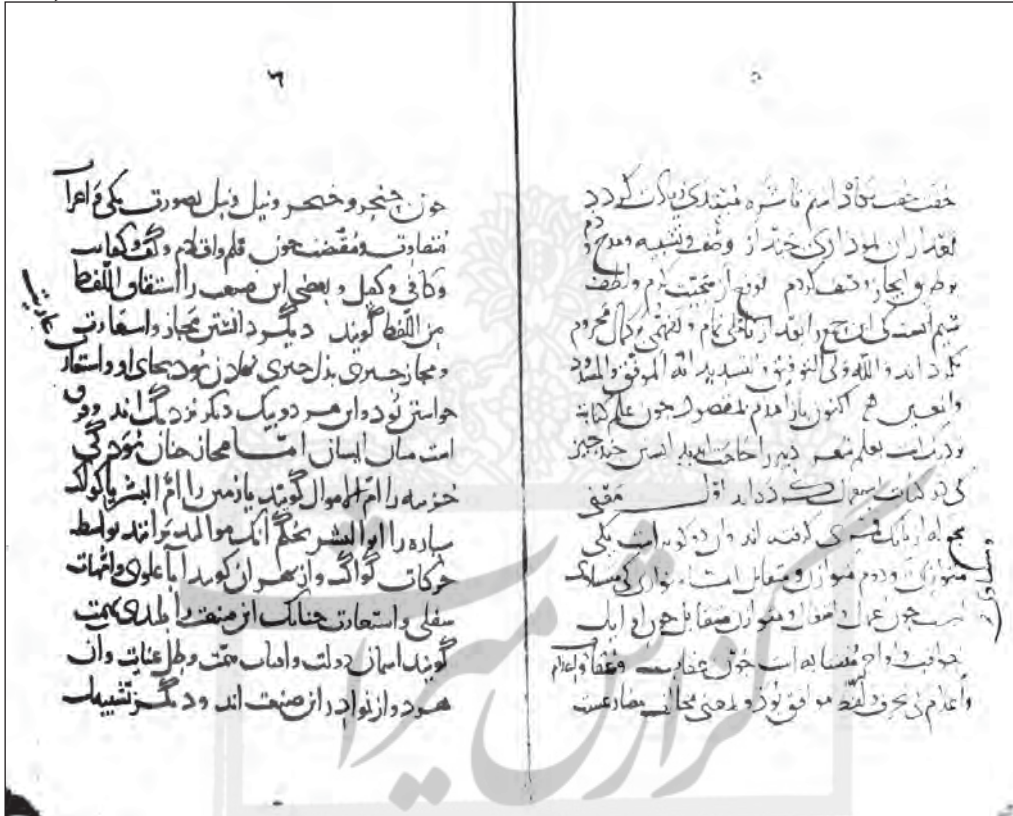


(در ص ۳ نسخه) درج می‌کنیم تا شاید دیگران بتوانند به شناسایی این شخص بپردازند:

«... این علم از جهت مطالعت مخدوم‌زاده خویش امیر اجل اکرم افضل شرف‌الدین جمال‌الاسلام و المسلمین ظهیرالملوک و السلاطین اختیاردولة افتخارالمله مشیرالملک عمیدالممالک ملک الکتاب عمر بن محمد بن ابی‌نصر — مدّ الله عمره فی دولة عالیة البنیان سامیة الارکان — نبشتم و پیش خدمت آوردم...»

نسخه حاضر با اینکه دارای انجمله — اگر بتوان آن را چنین نامید — می‌باشد اما دریغا که کاتب نه به نام خود اشاره نموده و نه تاریخ کتابت را یاد کرده است. عبارت‌های پایانی نسخه چنین است: «... لا زالت عزّها رفیعاً مشیداً منیعاً؛ لا زالت مشیدة الارکان موطدة البنیان. تمّ الکتاب بحمد الله و منه.»

داوری درباره تاریخ کتابت نسخه‌ها از روی تصاویر سیاه و سفید دشوار است اما درباره قلم این نسخه باید



شکل ۱

از زندگی ظهیری آگاهی چندانی نداریم جز اینکه وی مدتی صاحب دیوان انشای قلع طمغاج‌خان مسعودبن حسن (حک ۵۵۸ - ۵۶۶ق) از ملوک خاقانیه (ایلک‌خانیه) ماوراءالنهر بوده و ظهیری سندبادنامه و اغراض السیاسة را به نام او نگاشته است. بنابراین، دوره باروری هنری ظهیری را می‌توان در میانه سده ششم هجری دانست. از شواهد برمی‌آید که گویا ظهیری سده هفتم را درک نکرده است چنانکه عوفی نیز در باب‌الاباب از وی به‌عنوان شخصی در گذشته یاد می‌کند. با این توضیحات می‌توان گفت که اثر مورد گفتگوی ما در حدود سده ششم — و یا حداکثر در سالهای آغازین سده هفتم — هجری نگاشته شده است.

بگوییم که شیوه تحریر آن ثلث کهن ایرانی می‌باشد که کم و بیش تا پایان سده ششم هجری رایج بوده است. قلم نسخه، بسیار شبیه به قلم نسخه ختم‌الغرایب (دستنویس ۸۴۵ کتابخانه ملی اتریش، مورخ ۵۹۳ ق) است. در تصویر ۱ صفحه‌ای از نسخه غرة‌الالفاظ و در تصویر ۲ صفحه‌ای از دستنویس ختم‌الغرایب را می‌بینیم.

لازم به یادآوری اینکه تصویری از نسخه مورد گفتگوی ما در کتابخانه حضرت آیت‌الله مرعشی (قم) به شماره ۱. نک: سلسله‌های اسلامی جدید، ص ۳۵۱؛ بایسته یادکرد اینکه قلع طمغاج‌خان از ممدوحان رضی‌الدین نیشابوری و سوزنی سمرقندی نیز بوده است.

۱۳۶۴ نگهداری می‌شود و در نشریه همان کتابخانه شناسانده شده است^۱ («نسخه‌های عکسی»، ابوالفضل حافظیان بابلی، میراث شهاب، س ۱۲، ش ۳ و ۴ [پاییز و زمستان ۱۳۸۵ ش]، صص ۱۴۰-۱۴۲). آقای حافظیان درباره نویسنده غرّه‌الفاظ و نزهه‌الاحاظ نوشته است: «مؤلف باید از نویسندگان سده ششم هجری باشد؛ چنانکه مواردی را از عنصری نقل کرده و کتاب را به ملک‌الکتاب عمر بن محمد بن ابی‌نصر تقدیم داشته است.» و احتمال داده است که مهدی‌الیه همان عمر بن

آغاز اثر ما نحن فیه است. بنابراین تاکنون دو نسخه از این اثر شناسایی شده است.

موضوع اثر

مؤلف در آغاز اثر یادآور شده که مقصود اصلی وی از نگارش این رساله، گردآوری الفاظ مستعمل در کتب فارسی است؛ الفاظی که به کار دبیران می‌آید. خود وی درباره این موضوع نوشته (در صفحه ۴ نسخه): «و درین



شکل ۲

محمد بن ابی‌نصر شیرازی سرخسی شافعی (۴۴۹-۵۲۹ ق) باشد که از استادان عبدالکریم بن محمد سمعانی بوده است (الانساب، ج ۳، ص ۴۹۶ [ذیل «شیرزی»]).

نکته جالب توجه در نوشته آقای حافظیان اشاره به نسخه دیگری از این اثر است که در کتابخانه آستان قدس حضرت رضا (ع) نگهداری می‌شود (نک: فهرست کتب خطی کتابخانه آستان قدس رضوی، ج ۲۵، ص ۱۴). این اثر در فهرست مذکور (احتمالاً از سده یازدهم هجری) دانسته شده ولی عبارتی که از آغاز آن نقل کرده‌اند — صرفنظر از اختلافات نسخه‌بدلی — برابر با

مجموع، الفاظ عذب و مستعملات کتب فارس اوردم و از غریب و وحشی احتراز نمودم... اول بیان صنعتها کی ائمه این علم کرده‌اند اوردم. باز در الفاظ شروع کردم؛ نخست دو حرف متصل کی معنی یکی بود یا نزدیک به معنی چون «مواعظ و نصایح» و «موانع و زواجر»؛ باز دو حرفی متصل چون «فضاء واسع»... باز دو حرفی

۱. با سپاس از فاضل گرامی آقای بهروز ایمانی که ما را از این نکته آگاهانیدند. این نسخه در فهرست تازه منتشره کتابخانه (ج ۴ عکسی‌ها، ص ۱۲۹-۱۳۲) شناسانده شده و حاوی مطالب مقاله پیش گفته است.

متضاد و منفصل چون "قلیل و کثیر" و "خیر و شر"؛ باز سه حرفی مرکب چون "وسایل عالم اجسام" ... باز چهار حرفی و پنج حرفی چون "منبع افاضت اجرام آسمان" و "مرجع افادت تأثیر اختران" ...

چنانکه نویسنده یادآور شده، وی پیش از یادکرد الفاظ مذکور، برخی صنایع ادبی را به اختصار توصیف کرده است (صص ۹-۵). این اصطلاحات عبارت است از: سجع، مجاز، استعارت، تشبیه، ترصیع، اغراق، تنسیق صفات، مراعات نظیر، مراعات اضداد، استعمال آیات و اخبار.

مهم‌ترین مطلبی که نویسنده این سطرها در کتاب ما نحن فیه دیده است، بیتی از خواجه محمد عبده - ادیب و سراینده چیره‌دست سده چهارم و پنجم هجری - می‌باشد.^۱ در نسخه (ص ۲) آمده: «و خواجه محمد عبده کی استاد این صنعت است می‌گوید در قصیده: بیک بدمستی کلک آن کنم کجا نکند || هزار تیغ یمانی و رمح هژده‌گزی.»

چنانکه می‌بینیم، بخش دوم این نام بصورت «عبده» ضبط شده است. جای دیگری که باز هم این نام را با همین شکل می‌بینیم، نزهة‌المجالس (ص ۶۸۵) است که در آنجا یک رباعی به نام «شیخ عبده» درج شده است. زنده‌یاد دکتر محمدامین ریاحی در دیباجه کتاب (ص ۱۰۹) یادآور شده‌اند که: «این شیخ را با محمد عبده - شاعر و از دبیران خانیه ماوراءالنهر - نباید اشتباه کرد...» با توجه به یکسان بودن ضبط این نام در هر دو منبع و با توجه به اینکه از فحوای نوشته ظهیری برمی‌آید که همان «محمد عبده» دبیر مشهور را مدنظر دارد، گمان می‌رود که نظر دکتر ریاحی مقرون به صواب نباشد و ضبط «عبده» را می‌توان گونه دیگری از ضبط این نام دانست. بنابراین، رباعی مندرج در نزهة‌المجالس را نیز می‌توان در میان شعرهای بازمانده از محمد عبده در شمار آورد.

منابع:

اغراض السیاسة فی اغراض السیاسة، محمدبن علی الظهیری الکاتب السمرقندی، تصحیح جعفر شعار، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۹ش.

چهارمقاله، تصحیح محمد معین، تهران، زوار، ۱۳۸۱ش [چ ۲ با تعلیقات].

ختم‌الغرایب (تحفة‌العراقین)، به کوشش و با پیشگفتار ایرج افشار، تهران، مرکز پژوهشی میراث مکتوب و انتشارات فرهنگستان علوم اتریش، ۱۳۸۵ش.

سلسله‌های اسلامی جدید، ادموند کلیفورد باسورت، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران، مرکز بازشناسی اسلام و ایران، ۱۳۸۱ش.

سندبادنامه، محمدبن علی بن محمد الظهیری السمرقندی، تصحیح احمد آتش، استانبول، ۱۹۴۸م [افست آن: تهران، کتاب فرزانه، ۱۳۶۲ش].

سندبادنامه، محمدبن علی ظهیری سمرقندی، تصحیح محمدباقر کمال‌الدینی، تهران، میراث مکتوب، ۱۳۸۱ش.

شرح احوال و اشعار شاعران بی‌دیوان، محمود مدبری، تهران، پانوس، ۱۳۷۰ش.

فهرس المخطوطات المصوّرة فی الادب و البلاغة و النقد، عبدالرزاق حسین، عربستان، ۱۴۰۷ق.

فهرست کتب خطی کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی (معانی و بیان)، براتعلی غلامی مقدم، مشهد، سازمان کتابخانه‌ها موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، ۱۳۸۳ش.

فهرست نسخه‌های عکسی کتابخانه بزرگ حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی (ج ۴)، نگارش ابوالفضل حافظیان بابلی، قم، انتشارات کتابخانه، ۱۳۸۸ش.

باب‌الالباب (۲ ج)، محمد عوفی، تصحیح ادوارد براون و محمد قزوینی، بریل، لیدن، ۱۹۰۳ و ۱۹۰۶م.

باب‌الالباب، تصحیح سعید نفیسی، تهران، ابن‌سینا، ۱۳۳۵ش.

نزهة‌المجالس، جمال خلیل شروانی، تصحیح محمد امین ریاحی، تهران، علمی، ۱۳۷۵ش [چ ۲].

۱. برای شرح حال او نک: چهارمقاله، صص ۲۶ - ۲۹ تعلیقات؛ نیز برای شعرهای موجود او نک: شرح احوال و اشعار شاعران بی‌دیوان، صص ۳۹۷ - ۳۹۸.